



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

پژوهشی در احوال و آثار ملا مصطفی کلاشی شاعر ناشناخته دیار جوانرود

(با تکیه بر یک مجموعه نسخ خطی)

طارق یاراحمدی^۱

مدرس زبان عربی و پژوهشگر متون و نسخ خطی

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۲/۸

به‌رواری قبوول ۲۰۲۵/۷/۶

صفحات: ۱۹-۴۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۱۵

چکیده

ملا مصطفی کلاشی یکی از شاعران و علمای ناشناخته منطقه جوانرود در قرن سیزدهم هجری قمری است. همانند بسیاری از علمای این دیار، نام وی در هیچ کتاب و تذکره ای ذکر نشده است، اما با تکیه بر اطلاعات موجود در حواشی صفحات یک مجموعه نسخه خطی مشتمل بر پنج رساله که توسط ایشان کتابت شده و در حال حاضر در کتابخانه مرکز ژین در شهر سلیمانیه به شماره ۶۰ نگهداری می شود، محرز گشته که وی فرزند ملا عبدالله کلاشی و برادر بزرگتر شاعر بزرگ کرد ملا عیسی جوانرودی و از خاندان علمی صدیقی کلاشی بوده است. ما در این پژوهش بر آنیم تا با روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر اطلاعات موجود در مجموعه مذکور به بررسی احوال و آثار وی پردازیم. پاره‌ای از نتایج حاکی از آن است که ملا مصطفی سال ۱۱۸۶ ه.ق. به دنیا آمده، اما از مدت حیات و سال وفات وی اطلاعی در دست نیست. علاوه بر تبحر و سرعت ایشان در امر کتابت، دارای طبع روانی در سرودن اشعار به زبان کردی به ویژه اشعار عاشقانه بوده است. مقدم بودن ایشان به لحاظ زمانی بر برخی دیگر از شعرای این دیار اهمیت و جایگاه ملا مصطفی کلاشی در ادب کردی در منطقه جوانرود به خوبی نمایان می‌سازد.

کلیدواژه: خاندان صدیقی، علمای کلاشی، ملا مصطفی کلاشی، مصطفی بن عبدالله

لیکۆلینه‌وه‌یه‌ک له‌سه‌ر ژبان و به‌ره‌مه‌کانی مه‌لا مسته‌فا که‌لاشی شاعیری نه‌ناسراوی دیار جه‌وانرود
(به‌پشته‌ستن به‌کۆمه‌لیک ده‌ستنوس)

تارق یارئه‌حمه‌دی

مامۆستای زمانی عه‌ره‌بی و لیکۆلهری ده‌ق و ده‌ستنوس

کورتە

مه‌لا مسته‌فا که‌لاشی په‌کیکه له شاعیر و زانایانی نه‌ناسراوی ناوچه‌ی جه‌وانرود له سه‌ده‌ی ۱۳. وه‌ک زۆرێک له زانایانی ئه‌م وڵاته‌ ناوه‌که‌ی له هه‌یج کتیب و تازکیرایه‌کدا نه‌هاتوه، به‌لام به‌پشته‌ستن به‌و زانیاریانه‌ی که له په‌راویزی لاپه‌ره‌کانی کۆمه‌له‌ ده‌ستنوسێکدا دۆزراوه‌ته‌وه که پیکهاتوه له پینچ ریساله که له‌لاین ئه‌وه‌وه نووسراوه و له ئیستادا له کتیبخانه‌ی ناوه‌ندی ژین له شاری سلیمانی له ژماره ۶۰ هینلراوه‌ته‌وه، ئه‌وه جیگیر کراوه که کورپی مه‌لا عه‌بدوڵلا که‌لاشی و ئه‌و برا گه‌وره‌ی شاعیری گه‌وره‌ی کورد مه‌لا عیسا جه‌وانرودی و له بنه‌ماله‌ی زانستی صدیقی که‌لاشی. له‌م لیکۆلینه‌وه‌یه‌دا مه‌به‌ستمانه به‌ شێوازی شیکاری-وه‌سفکردن و پشته‌ستن به‌و زانیاریانه‌ی که له کۆمه‌له‌ی پێشودا به‌رده‌ستن، لیکۆلینه‌وه له دۆخ و کاره‌کانی بکه‌ین. هه‌ندیک له ئه‌نجامه‌کان ئاماژه به‌وه ده‌که‌ن که مه‌لا مسته‌فا له سالی ۱۱۸۶ کۆچی له‌دایک بووه، به‌لام هه‌یج زانیارییه‌ک له‌سه‌ر ته‌مه‌نی و سالی کۆچی دوایی نییه. جگه له لیها‌تووبی و خیرایی له بابته‌ی نووسیندا، سروشتیکی ده‌روونی هه‌یه له نووسینی شاعر به‌ زمانی کوردی، به‌ تایه‌ت شیعری خۆشه‌و‌یستی. ئه‌وه‌ی که له‌ پرووی کاته‌وه له پێش هه‌ندی شاعیرانی دیکه‌ی ئه‌م وڵاته‌ که‌وتوه، گرینگی و پینگه‌ی مه‌لا مسته‌فا که‌لاشی له ئه‌ده‌بی کوردیدا له ناوچه‌ی جه‌وانرود نیشان ده‌دات.

وشه‌ی سه‌ره‌کی: بنه‌ماله‌ی صدیقی، زانایانی که‌لاش، مه‌لا مسته‌فا که‌لاش، مسته‌فا بن عه‌بدوڵلا

۱- مقدمه

خاندان صدیقی که‌لاشی یکی از بزرگترین خاندان‌های علمی کردستان و منطقه‌ی جوانرود است. این خاندان از آن جهت که خود را منتسب به حضرت ابو بکر صدیق می‌دانند به صدیقی معروف هستند و هم اکنون نام خانوادگی شاخه‌های از آنها در جوانرود و نواحی پیرامون آن همان صدیقی است. البته شاخه‌های دیگری، نام خانوادگی دیگری را برگزیده‌اند. از این خاندان در طی سده‌های گذشته ده‌ها عالم دینی و شاعر پا به عرصه وجود نهاده‌اند که هر کدام از آنها منشأ خدمات زیادی در امر آموزش و پیشرفت

علمی در این خطه و دیگر مناطق کردنشین بوده‌اند و به همین دلیل است که به آنها خاندان ملایی نیز گفته می‌شود، چرا که نسل اندر نسل ملا (عالم دینی) بوده‌اند.

علی‌رغم پیشینه تاریخی و وجود علمای تراز اول زیادی در این خاندان علمی، متأسفانه تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص معرفی این خاندان، مشاهیر آن و خدماتشان انجام نگرفته است. نگارنده چند سالیست که با اندک بضاعت علمی خود به این مهم پرداخته و علاوه بر نگارش شجره نامه این خاندان بر پایه نسخه‌های خطی کتابت شده توسط علمای خود این خاندان، تاکنون موفق به انجام پژوهش‌هایی در خصوص احوال و آثار چند تن از علمای این خاندان از جمله ملا عیسی و ملا موسی کلاشی شده است و در ادامه این پروژه بر آن است که در پژوهش حاضر به معرفی یکی دیگر از علمای بزرگ ولی ناشناخته این خانواده به نام ملا مصطفی کلاشی بپردازد. نامبرده فرزند ملا عبدالله بزرگ کلاشی معروف به "مه‌لا عه‌ولای گه‌وره" و برادر بزرگتر شاعر کرد ملا عیسی جوانرودی و ملا موسی کلاشی است. همانند شمار زیادی از علمای این دیار متأسفانه، نام وی به‌بوته فراموشی سپرده شده و در کتب تذکره‌ها و سایر منابع مرتبط نامی از ایشان ذکر نشده است. ملا مصطفی دارای طبعی روان در سرودن شعر به زبان کردی بوده است. آنچه که سبب نگارش پژوهش حاضر گردیده دست یافتن نگارنده به یک مجموعه نسخه خطی است که مشتمل است بر پنج رساله به زبان عربی که در واقع از منابع تدریس در حجره‌های علمی کردستان است. این مجموعه توسط ملا مصطفی کتابت گردیده است و از آنجایی که در حواشی صفحات این نُسَخ مطالب مهمی در خصوص زندگی و آثار نامبرده درج گردیده است، لذا منبع اصلی این پژوهش همان مجموعه نسخ کتابت شده توسط ملا مصطفی است.

این پژوهش دارای دو بخش اصلی است. در بخش اول به احوال و زندگی ملا مصطفی خواهیم پرداخت و در آن در خصوص اصل و نسب، سال تولد، فرزندان وی، محل تحصیل، اساتید ایشان و دیگر مطالب مرتبط با این بخش خواهیم پرداخت. بخش دوم به معرفی آثار ملا مصطفی اختصاص یافته است و ضمن معرفی مجموعه پنج رساله‌ای حاضر، و همچنین یک برگ یادداشت بسیار مهم که در بین رساله چهارم و پنجم قرار گرفته، به مقوله شاعری وی خواهیم پرداخت و اشعاری نویافته از ایشان را منتشر خواهیم نمود.

پیرامون بخش های زیادی از احوال و زندگی ملا مصطفی اطلاعات زیادی در دسترس نیست. اما خوشبختانه در خصوص اصل و نسب و تاریخ ولادت ایشان در حواشی نسخ خطی اطلاعات مفیدی کتابت گردیده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۲-۱- اصل و نسب ملا مصطفی

آنچه که از اطلاعات مندرج در نسخه های خطی کتابت شده توسط ملا مصطفی برمی آید ایشان فرزند ملا عبدالله کلاشی است چرا که در انجامه نسخه خطی رساله الوضعية، خود را چنین معرفی نموده است: *کتبه مصطفی ابن مولانا عبدالله ابن مولانا صالح ابن مولانا مصطفی کلاشی الأصل ابویکری نسباً و شافعی مذهباً*.

در صفحه پایانی نسخه خطی شرح گل احمد بر رساله استعاره خود را نیز معرفی کرده و نوشته است: *تمت شد من ید ذل ذلیل مصطفی ابن عبدالله الكلاشي*.

در صفحه انجامه نسخه خطی رساله جهة الوحدة محمدا مین چنین نوشته است: *تمت الكتاب المسمى بمحمد أمين علی ید أضعف العباد مصطفی ابن ملا عبدالله ابن صالح ابن مصطفی کلاشی الأصل*

در انتهای حواشی نوشته شده در صفحات مختلف مجموعه نسخ خطی کتابت شده توسط خودش، بارها نام خود یعنی "مصطفی بن عبدالله الكلاشي" را درج نموده است. موارد دیگری در تأیید صحت انتساب ملا مصطفی به خاندان صدیقی کلاشی و پسر ملا عبدالله کلاشی وجود دارد که با توجه به مستندات ارائه شده و به جهت اجتناب از تطویل از ذکر همه آنها در اینجا پرهیز خواهد شد. بنابراین می توان ایشان را اینچنین معرفی نمود: مصطفی بن عبدالله بن محمد صالح بن مصطفی کلاشی. با عنایت به موارد ذکر شده می توان وی را برادر ملا عیسی و ملا موسی کلاشی دانست.

۲-۲- سال تولد و وفات ملا مصطفی

حسب آنچه که در ظهر برگ یادداشتی کتابت گردیده، سال تولد ملا مصطفی ۱۱۸۶ هجری قمری بوده است. لذا با استناد به سند مذکور سال ۱۱۸۶ هجری قمری را می توان سال ولادت ملا مصطفی تعیین کرد. این برگ یادداشت بین رساله چهارم و پنجم مجموعه نسخ خطی کتابت شده توسط ملا مصطفی قرار گرفته است. نظر به اهمیت برگه یادداشت مذکور، در ادامه و در بخش آثار ملا مصطفی به تفصیل محتویات آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در خصوص سال وفات و مدت عمر ایشان تاکنون هیچ اطلاعی در دست نیست و لذا نمی توان در این خصوص تخمینی زد.

۲-۳- فرزندان ملا مصطفی

ملا محمد شریف: آنچه که به صورت مستند در اختیار نگارنده است آن است که ملا مصطفی فرزندی به نام محمد شریف داشته که خود وی نیز بعدها عالم بزرگی شده است. در دو جای مجموعه نسخ خطی ملا مصطفی یادداشت های بسیار کوتاهی در حاشیه صفحات نوشته شد و در انتهای هر دوی آنها نویسنده خود را محمد شریف پسر کاتب معرفی نموده است. در صفحه ۲۶ این مجموعه چنین نوشته است: *این حاشیه را خواندم در سنه هزار و دوصد و پنجاه و شش الختیر محمد شریف ابن کاتب*. در صفحه ۱۲۲ نیز این پس از کتابت یک سطر علمی نوشته است *"بید محمد شریف سنه ۱۲۵۶"* که نوع خط هم گویای یکی بودن این دو محمد شریف است.

علاوه بر موارد فوق سندی متقن تر مبنی بر وجود پسری به نام محمد شریف فرزند ملا مصطفی کلاشی وجود دارد که نشان می دهد وی نیز ادامه دهنده راه پدر بوده است اما زود بهار عمرش خزان گردیده است. این سند عبارت است از یک نسخه خطی مسمی به شرح کمال الدین محمد فسوی بر کافیه ابن حاجب که توسط ملا محمد شریف کتابت گردیده است. متن انجنامه این نسخه خطی از این قرار است. *تتمت کتابة الكتاب بعون الملک الأعلى الوهاب علی ید الختیر الطلاب محمد شریف بن المصطفی بن عبد الله الکلاشی الجوانرودی فی قریة ترجان حرّسه الله وأهلها من آفات الإنس والجان فی خدمة ... مولانا علی القزلیجی ... فی سنه ۱۲۶۶*. بر این اساس ملا محمد شریف فرزند ملا مصطفی فرزند ملا عبدالله کلاشی بوده که سال ۱۲۶۶ نسخه مذکور را در روستای ترجان در خدمت ملا علی قزلیجی از اکابر علمای کرد قرن سیزدهم کتابت نموده است. این نسخه خطی هم اکنون با شماره (۱۸۴/ صرف طلعت/) و میکروفیلم شماره ۱۹۴۶۵ با شماره عمومی (۴۴۰۶۰۱) در کتابخانه دار کتب المصریة در شهر قاهره مصر نگهداری می شود. محققى به نام محمد محمود محمد صبری الجبّیة سال ۲۰۱۷ این اثر را بر اساس سه نسخه خطی تصحیح نموده است که این نسخه کتابت شده توسط ملا محمد شریف کلاشی یکی از نسخه های مورد استفاده در تصحیح این اثر بوده است. مورد دیگری که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست نوشته ای است که در پایین نوشته ملا محمد شریف توسط شخص دیگری کتابت شده است. متن نوشته از این قرار است: *"وقد توفی الکاتب الفقیه الصالح العالم فی*

شهر شعبان في آخر الربيع وقد صار الربيع خريفاً لأوراق أعصار عمره في سنة ١٢٦٨ . اللهم اغفر له ولجميع المستغفرين له آمين". ترجمه: (این) کاتب فقیه صالح دانشمند در ماه شعبان، در اواخر بهار وفات یافته است و بهار برگ های زندگی وی پاییزی گردید در سال ١٢٦٨. خداوند وی و همه کسانی که برایش طلب آموزش می کنند بیامرزد. آمین.

رقم یکان سال وفات واضح نیست و شبیه به عدد ٨ می باشد. با استفاده از مبدل تاریخ و به قرینه این نکته که سالی که ایشان وفات یافته بود ماه شعبان در اواخر بهار آمده است و از طرفی یکم شعبان سال ١٢٦٨ مصادف است با ٣١ اردیبهشت می توان به احتمال قریب به یقین سال وفات ایشان را سال ١٢٦٨ تعیین نمود. تصویر شماره (١) در انتهای این پژوهش تصویر صفحه انجامه نسخه کتابت شده توسط ملا محمدشریف است.

ملا محمود مدرّس: آنچه که نگارنده در لابلای نسخ خطی بدان دست یافته بود وجود همان پسر به نام ملا محمدشریف است. اما حسب گفته مؤمن و یسی پژوهشگر اهل کلاش و منتسب به خاندان علمی صدیقی کلاشی، ملا مصطفی فرزند دیگری به نام ملا محمود داشته که به مدرّس معروف بوده و ابوی عالم بزرگ ملا فتح الله خطیب بوده است (مصاحبه با مؤمن و یسی).

٢-٤- اساتید و محل زندگی و تحصیل ملا مصطفی

در خصوص موارد فوق اطلاعات آنچنانی در دست نیست اما بازگو کردن اندک اطلاعات موجود می تواند سرنخی برای پژوهش های آتی باشد. نظر به مدرّس بودن ملا عبدالله کلاشی، طبیعی است که فرزندان وی بخشی از علوم دوازده گانه را نزد ایشان فرا گرفته باشند. این موضوع در نسخه های خطی کتابت شده توسط فرزندان انعکاس داشته مثلاً ملا موسی در حاشیه یکی از نسخه خود چنین نوشته است: "بلغ قراءة هذا الكتاب إلى آخره مع كتابة الحاشية وتصحيحها عند أبي مولانا عبدالله كلاشي" (یاره حمه دی، ٢٠٢٣: ١٥٥).

ملا مصطفی نیز در دو جا به این موضوع اشاره داشته. در صفحه ٩٥ مجموعه نسخ خویش چنین نوشته است: "كتبه الحزين مصطفى في محل خان عاشور في خدمة أبي عبدالله". در صفحه ١١٢ هم اینطور مرقوم نموده است. "في خدمة ملا عبدالله كلاشي الأصل في محل خان آشور". پس می توان نتیجه گرفت که ملا عبدالله از اساتید ملا مصطفی بوده است.

در انتهای یک یادداشت مرتبط به علم استعاره در صفحه ۵۴ جمله "هكذا أفادني أستاذي مولانا عبدالقادر السیسی؟" علیرغم کندوکاو فراوان در خصوص این شخصیت اطلاعاتی حاصل نشد. عموماً واژه سیسی یا سیستی باید نام محل زندگی فرد مذکور و یا نام قبیله منتسب به وی باشد که نام مکان یا طایفه ای مشابه به این واژگان پیدا نشد. نظر به حضور ملا مصطفی در منطقه، به نظر می رسد که مولانا عبدالقادر هم یکی از علمای این دیار بوده باشد که گذشت زمان وی را به بوته فراموشی سپرده است. در خصوص محل تحصیل ملا مصطفی، ایشان هم اشاره به دو جا داشته است که گویا محل زندگی وی و پدرش نیز بوده است. یکی از این اماکن، خان عاشور یا خان آشور است که در سطور بالاتر بدان اشاره شد. خان عاشور هم اکنون با نام خانه شور نام یکی از دهستان بخش مرکزی ثلاث باباجانی است. مکان دیگری که نام آن در نسخ خطی ملا مصطفی ذکر شده "بادیه سرپان" است. سرپان نام دشتی در نزدیکی روستای شیخ صله از توابع ثلاث باباجانی است. در حین کتابت نسخه خطی رساله الوضعية ملا مصطفی در دشت سرپان بوده است. از آنجاییکه در نسخ خطی کتابت شده توسط ملا موسی هم در چند جا نام این بادیه ذکر شده (پاره‌حمه‌دی، ۲۰۲۳: ۱۵۵) لذا به نظر می رسد دشت سرپان در آن زمان محل سکونت و چه بسا محل تدریس ملا عبدالله بوده است.

۳- آثار ملا مصطفی

در این بخش به معرفی آثار مکتوب بر جای مانده از ملا مصطفی کلاشی خواهیم پرداخت. یگانه اثر مکتوب باقی مانده از ایشان یک مجموعه نسخه خطی است که در ادامه به معرفی آن خواهیم پرداخت. پس از آن توضیحات مبسوطی در خصوص یک برگ یادداشت ارزشمند کتابت شده توسط ملا عبدالله و ملا عیسی خواهیم داد و نهایتاً در بخش ملا مصطفی و شعر، به معرفی و بررسی اشعار نویافته وی می پردازیم.

۳-۱- مجموعه نسخه خطی

این مجموعه مشتمل بر پنج رساله و به زبان عربی است. تعداد صفحات آن ۲۰۶ صفحه می باشد. سال نگارش این مجموعه ۱۲۰۸ هجری قمری بوده و هم اکنون با شماره بازیابی ۶۰ در کتابخانه مرکز ژین در شهر سلیمانیه نگهداری می شود. متن اصلی این مجموعه از صفحه پنجم شروع می شود. چهار صفحه آغازین این مجموعه که به نظر می رسد از همان کاغذ مورد استفاده در مجموعه است ابتدا خالی بوده و بعدها توسط خریدار یادداشت‌هایی در آن قلمی شده است. در صفحه اول شخصی به نام احمد خلیقی

که خریدار این مجموعه بوده چنین نوشته است: "این کتاب که مشتمل (بر) پنج رساله است مؤرخه ۹/۹/۳۳ از برادر ملا حسن خلتی (خلیقی)؟ سنندجی در مقابل ۲۵ ریال ابتیاع نمودم. امید است که موفق بر مطالعه آن شوم - احمد خلیقی ابن ملا عبدالخالق المدرّس رحم الله تعالی الابن و الأب". به نظر می رسد خریدار برادر ملا حسن مدرّس و هردو فرزند ملا عبدالخالق کوله ساری بوده اند. صفحه دوم آن خالی از نوشته است. در صفحه سوم و در قسمت بالای صفحه یادداشتی در مورد حروف ابجد کتابت شده است و پایین تر از آن هفت بیت از شعر معروف جامی با مطلع *گمی بود یارب که رو در یثرب و بطحا کنم* در سال ۱۳۵۱ توسط خلیقی کتابت شده است و در آن اشاره نموده که از روی خط مولانا عبدالله غفوری این ابیات را تحریر نموده استصفحه چهارم نیز همچون صفحه دوم فاقد نوشته است. متن رساله اول از صفحه پنجم شروع می شود. در پایین توضیحات مفصلی در خصوص هر کدام از رساله های پنجگانه داده خواهد شد.

۳-۱-۱- رساله اول (شرح ابو البقاء علی الرسالة الوضعية)

این رساله در علم وضع و به زبان عربی است. تعداد صفحات آن ۲۲ صفحه بوده که هر صفحه خود نیز مشتمل بر ۱۳ خط می باشد. شماره بازیابی آن ۶۰/۱ است. اکثر صفحات این رساله فاقد حاشیه نویسی است. اندک حواشی کتابت شده در کناره های صفحات این رساله، ذکر آرای علمایی همچون یوسف أصم، ابراهیم آلانی و جامی چوری است. ملا مصطفی اینچنین کتابت رساله مذکور را به پایان رسانده است. "کتابه مصطفی ابن مولانا عبدالله ابن مولانا صالح ابن مولانا مصطفی کلاشی الأصل ابو بکری نسباً و شافعی مذهباً فی آن اذان الظهر فی بادية المشهور بسرپان فی سنة ۱۲۰۸". در همین صفحه انجامه که تصویر آن در انتهای این پژوهش با شماره (۲) قرار داده شده ملا مصطفی این عبارت را نوشته است. *کتبت هذا الكتاب من أوله إلى آخره في يوم واحد بلا كتابة حاشيته* یعنی این کتاب از آغاز تا پایان بدون حاشیه در یک روز کتابت نمودم. غیر از موارد مذکور، نکته قابل ذکری در این رساله وجود ندارد.

۳-۱-۲- رساله دوم (رسالة عصام الدين في الإستعارة)

همانطور که از عنوان آن پیداست موضوع این رساله علم استعاره عربی است. صفحات آن هفت صفحه و هر صفحه دارای ۱۲ سطر می باشد. حواشی مرتبط با متن رساله در تمام صفحات آن کتابت شده است. نام جامی چوری، عبدالله کلاشی و عبدالله بن حیدر در حاشیه صفحات این رساله ذکر گردیده است.

نظر به کوتاه بودن این رساله، حاشیه غیر مرتبطی در آن دیده نمی شود. این رساله دارای شماره بازیابی ۶۰/۲ می باشد.

۳-۱-۳- رساله سوم (شرح رساله عصام الدین فی الإستعاره)

این رساله ۸۳ صفحه دارد که هر صفحه آن تقریباً هفت سطر است. این رساله همانند رساله قبلی در علم استعاره است. سراسر صفحات این رساله مزین به حاشیه نویسی شده است. شماره بازیابی آن ۶۰/۳ می باشد. در حواشی صفحات این رساله آرا و نام علمای زیادی آمده است از جمله: حسن چلبی، جامی چوری، حسن زیباری، احمد بن حسن ماورانی، عبدالله ماورانی، عبدالله کلاشی، عبدالله بن حیدر، شرانسی، رسول سورچی، احمد بن حیدر، زین الدین، و الجزری. در انتهای صفحات این رساله دو تک بیت زیر از بیسارانی شاعر بزرگ گرد آمده است.

سه‌نگ نه لحددم مه‌بوت داما‌نگیر
 ده ریغ جه خاودا شامار بگه‌ستام
 چه‌نی بی‌به‌ینه‌ت به‌ینه‌ت نه‌به‌ستام
 نه‌گه‌ر به گل‌کوم رات گنؤ ته‌قدیر

علاوه بر این دو بیت از بیسارانی، سه تک بیت دیگر وجود دارد که در بخش ملا مصطفی و شعر بدان خواهیم پرداخت. در صفحه ۱۱۵ یک دستور پزشکی برای رفع بواسیر کتابت شده و کاتب آن را مفید و مجرب دانسته است.

۳-۱-۴- رساله چهارم (شرح گل احمد بر استعاره)

این رساله در بردارنده ۲۸ صفحه ۱۳ سطری است، بر خلاف رساله های دوم و سوم این رساله دارای کمترین میزان حواشی و تعلیقات است. اکثر صفحات آن فاقد هر گونه حاشیه نویسی است. ملا مصطفی در انجامه این رساله چنین نوشته است "تمت شد من ید ذل دلیل مصطفی ابن عبدالله الکلاشی غفر الله لهما آمین فی یوم سه شنبه دویم شهر رمضان المبارک". تصویر این صفحه به شماره (۳) در انتهای این پژوهش آمده است. این رساله به شماره ۶۰/۴ در کتابخانه مرکز ژین نگهداری می شود.

۳-۱-۵- رساله پنجم (رساله جهة الوحدة لمحمد امین)

این رساله ۵۳ صفحه ای است و هر صفحه هم ۱۳ سطر دارد. شماره بازیابی آن ۶۰/۵ می باشد و به لحاظ اهمیت، این رساله بسیار با اهمیت تر از چهار رساله قبلی است چرا که در بردارنده یک سه بیتی در وصف زمستان و یک منظومه بلند به گردی است که در بخش ملا مصطفی و شعر بدان خواهیم پرداخت. علاوه بر آن دارای حاشیه نویسی زیادی است که عمدتاً مرتبط با متن رساله است و در آن دیدگاه

علمایی همچون زین الدین، عبدالله بن حیدر، قاسم، یوسف، عبدالله کلاشی، علی بن زکی، داود، خلخالی، میرزا جان، حسن چلمی، ابراهیم آلانی و عبدالرحمن بن محمد منعکس گردیده است. نکته جالبی که در دو جای این رساله و نیز در یک جا از رساله سوم آمده عبارت کوتاهی به زبان کردی است. در رساله سوم صفحه ۱۱۲ چنین نوشته است "کتیبه من بو خۆم لا لاجلک ... یعنی من برای خودم نوشتم نه به خاطر تو. در رساله پنجم و در صفحه ۱۵۹ نوشته است "کتبه ئەمن له بو خۆم". در صفحه ۱۸۵ نیز عبارت کوتاهی با همان مضمون نوشته است "کتبه ئەمن لاجل خۆم". هر چند ملا مصطفی از یک عبارت کردی بسیار کوتاه دو یا سه واژه ای بهره برده اما به جهت قدمت استفاده از واژگان کردی آن هم به لهجه جافی و سورانی می تواند جالب توجه باشد. پایان بخش کتابت این رساله این متن از ملا مصطفی است. "تمت الكتاب المسمى بمحمد أمين على يد اضعف العباد مصطفى ابن ملا عبدالله ابن صالح ابن مصطفى کلاشي الاصل" تصویر شماره (۴) انتهای این پژوهش مربوط به صفحه انجامه این رساله است.

۳-۲- یک برگ یادداشت بسیار ارزشمند

بین رساله چهارم و پنجم مجموعه نسخه های خطی کتابت شده توسط ملا مصطفی کلاشی یک برگ یادداشت بسیار مهم قرار دارد که ارزش این چند سطر یادداشت به زعم نگارنده، بیشتر از کل مجموعه مذکور پنج رساله ای نباشد کمتر نیست، چرا که حاوی نکات بسیار مهمی است که شرح آن در ادامه به تفصیل خواهد آمد. این صفحه شامل سه بخش است.

بخش اول: در وسط صفحه این عبارت کتابت شده است: "تاریخ تولد فرزند دلبند ارجمند عیسی طول الله عمره العزیز بجاه من لا نبی بعده آمین در یوم دوشنبه بیست و سه از اختیارات در ماه مبارک ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۹۳ و احمد کذلک ۱۱۸۳ و مصطفی کذلک سنه ۱۱۸۶ و موسی کذلک سنه ۱۱۸۸". بنا به قرینه عبارت "فرزند دلبند ارجمند" به نظر می رسد، یادداشت وسط صفحه توسط ملا عبدالله کلاشی کتابت شده باشد و در این صورت اولین دستخط باقی مانده از ایشان است و طبیعتاً تاریخ کتابت این عبارت قدیمی تر از دو بخش دیگر خواهد بود. در عبارت مذکور تاریخ ولادت چهار تن از فرزندان ملا عبدالله بزرگ کلاشی ذکر شده است. اهمیت این چند سطر در آن است که تاکنون نه تنها سال ولادت این چهار برادر بر همگان مستور بوده بلکه تقدم و تأخر سنی آنها نیز

نامشخص بوده است و اکنون با استناد به این سند می توان سال ولادت چهار تن از فرزندان ذکور ملا عبدالله که هر کدام از آنان بعدها از علمای طراز اول خطه جوانرود بوده اند، مشخص نمود. تعیین سال دقیق ولادت ملا مصطفی کلاشی در این پژوهش با استناد به همین برگه یادداشت بوده است. بر این اساس ملا احمد متولد سال ۱۱۸۳ ه. ق بزرگتر از سه برادر دیگر و پس از وی ملا مصطفی است که متولد سال ۱۱۸۶ و دو سال بعد از ایشان ملا موسی به دنیا آمده است و کوچکتر از همه آنها ملا عیسی است که محبوب پدر بوده و تاریخ دقیق ولادت ایشان (روز، ماه و سال) در این یادداشت مرقوم گردیده است. نگارنده که احوال و آثار ایشان با تکیه بر نسخ خطی را در قالب مقاله ای در پژوهشنامه ادب کردی به چاپ رسانده برای اولین بار تاریخ دقیق وفات ایشان را با تکیه بر یادداشتی از ملا موسی کلاشی تعیین نموده بوده که با این سند اکنون تاریخ دقیق ولادت و وفات این عالم بزرگ مشخص گردیده است.

بخش دوم: در بالای عبارت مذکور به صورت حاشیه، متنی به شرح زیر نگارش یافته است. *تولد این عاصی مسمی به عیسی که در هزار و صد و نود و سه بود از هجرت خیر البشر صلی الله علیه و سلم. مادام القضاء والقدر مدت حیات فقیر در این دارالمحنت دنیا به هزار و دو صد و چهل و یک رسید و به قدر وسع و طاقت در کسب علم و کمال کوشید هر چه لایق بودیم معطی بی مانع عطا فرمود و علوم رسمی که دوازده اند به مجردی پیش از متأهل شدن در ایام حیات مرحومین والدین به اتمام رسید. در تاریخ هزار و دوصد و سی و یک پنج سال در زمان حیات ایشان به تدریس شاغل بودیم به مجردی، و در آن وقت به رحمت ایزدی پیوستند. بعد از رحلت ایشان پنج سال دگر با فاله؟..... و استفاده علوم رسمی و شرایع و مصاحبت فقهاء شاغل و در آن حدیث الأمور مرهونه بأوقاتها صادق آمد، نقد تجردی به مفت از دستم بیرون رفت و زنجیر زوجیت در هر دو پایم نهاده شد به کرم عمیم کریم. امیدوارم عاقبت را خیر کناد. بمحمد وآله الأ مجاد"*

پرواضح که این بخش با تأخر زمانی چند ساله که تعیین دقیق آن بر ما مستور است توسط ملا عیسی نگارش یافته است. این بخش نیز در بردارنده نکات مهمی به شرح زیر است. این متن در سال ۱۲۴۱ کتابت گردیده است. سال وفات ملا عبدالله کلاشی که تاکنون اطلاعی دقیقی از آن در دسترس نبوده، به وضوح در این متن آمده است و بر این اساس می توان تاریخ وفات ملا عبدالله را سال ۱۲۳۶ دانست چرا که ملا عیسی متن مذکور را در سال ۱۲۴۱ کتابت نموده است و در بطن آن نوشته سال ۱۲۳۱ شروع به تدریس نموده که پنج سال پس از آن پدرش ملا عبدالله در قید حیات بوده و پنج سال پس از وفات ایشان

نیز مشغول به تدریس بوده است. لذا سال آغاز تدریس ملا عیسی ۱۲۳۱ بوده که پنج سال پس از آن یعنی سال ۱۳۳۶ پدرش از دنیا می رود و پنج سال پس از این تاریخ که مصادف است با سال نگارش این متن مشغول تدریس بوده است. بر اساس یادداشت مذکور، ملا عیسی در سن ۴۸ سالگی زندگی مشترک را تشکیل داده است، چرا که سال ولادت ایشان ۱۱۹۳ و سال ازدواج ایشان ۱۲۴۱ بوده است.

بخش سوم: این بخش نونویس است و کاتب آن همان احمد خلیقی خریدار مجموعه است که پیشتر در خصوص وی سخن رانده شد. وی در این برگ یادداشت با تقلید از نوشته ملا عیسی مطلبی نوشته است که بر اساس آن سال ۱۳۲۶ قمری متولد شده و سال ۱۳۵۰ تاهل را برگزیده است. وی این یادداشت را سال ۱۳۸۴ هجری قمری کتابت نموده است. تصویر شماره (۵) در انتهای این پژوهش در واقع تصویر این برگ یادداشت است

۳-۳- ملا مصطفی و شعر

طبع روان و قریحه شعری میان خاندان علمی صدیقی کلاشی در میان بسیاری از علمای این خاندان ساری و جاری بوده است. به عنوان مثال از میان برادران ملا مصطفی مورد پژوهش ما، ملا عیسی شاعری معروف بوده است که با مولوی تاوگوزی شاعر بنام کرد مشاعره داشته است. ملا موسی برادر دیگر وی نیز طبع شعری داشته و علاوه بر چند تک بیتی نو یافته از وی، منظومه کوتاهی در علم استعاره به زبان فارسی سروده است که متن کامل آن در شماره ۴۱ مجله خال منتشر شده است. ملا احمد کلاشی هم شاعری با قریحه شعری روان بوده که نگارنده شرح احوال و آثار و تصحیح اشعار ایشان در دست کار دارد. ملا مصطفی هم از این موهبت بی بهره نبوده است در مجموعه نسخ خطی کتابت شده توسط وی که پیشتر در مورد آن صحبت شد، به ویژه در رساله های سوم و پنجم ابیاتی را کتابت نموده است که با احتیاط می توان آنها را به خود ایشان نسبت داد. در رساله سوم این دو تک بیتی به ترتیب در صفحات ۴۹ و ۹۸ آمده است.

بئ ئەرواح مەبۆون چوون پەروانە

ش _____ م

بدیه یانەهێ کیت نه که ردهن خاپوور

ئەوسا که بالآت مەبینوو بە چەم

بەو دیدەهێ سیای بئ سورمەهێ کۆی توور

البته در صفحه ۹۸ بیت اول با اندکی اختلاف مجددا آمده است.

بئ ئەروا مەبۆ چوون پەروانە و شەم

وہختئێ کہ بالآت مەبینوو بە چەم

در رساله پنجم سه بیت کردی منتسب به ملا مصطفی در توصیف زمستان آمده است این سه بیت به شرح زیر است.

هه‌وای خه‌زان پَژ، بورج واد وه‌خت	فه‌سل زمستان یه‌خبه‌ندان سه‌خت
سایه‌ی چه‌مه‌نان چه‌مه‌ن بیژان بی	چه‌تر چناران جه‌سه‌ر ریژان بی
بولبول نمه‌وه‌ند شانامه‌ی گولان	داران سیا بی چوون سفته‌دلان

نامه مجنون به لیلی

داستان لیلی و مجنون از داستان‌های منظوم پربسامد در ادب عربی، فارسی و کردی است و شعرای مختلفی در ادوار مختلف در این زمینه طبع آزمایی نموده‌اند. بخشی از این داستان مربوط به نامه نگاری میان این دو شخصیت است. محوریت اصلی این نامه‌ها برفراق و جدایی دو دل‌داده از یکدیگر است که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه و محیط بسته اجتماعی تنها راه ارتباطشان قاصد و نامه نگاری است (علیزاده، ۱۳۹۳: ۷۹). در بیست صفحه پایانی رساله پنجم مجموعه کتابت شده توسط ملا مصطفی منظومه ای ۷۶ بیتی کتابت گردیده است. این سروده در واقع نامه مجنون به لیلی است که ابیات آن نه به صورت یکجا بلکه یک یا دو بیت در بالا و پایین صفحه‌های رساله پنجم قرار گرفته است و از آنجاییکه داستان منظوم لیلی و مجنون و نامه نگاری‌های آن دو به یکدیگر همانطور که گفته شد در ادب کُردی نمود پررنگی داشته است و از طرفی ملا مصطفی، به وضوح سراینده این ابیات را مشخص ننموده، لذا نگارنده با صرف زمان نسبتاً زیادی مجبور به تطبیق ابیات این سروده با دیگر سروده‌های کُردی لیلی و مجنون قبل از زمان کتابت این ابیات شد، و پس از تطبیق با اشعار خانای قبادی، ملا ولدخان و چند منظومه ناشناس دیگر، مشابهتی یافت نشد. پرسش از تنی چند از محققین برجسته و متخصص در زمینه ادبیات کردی هم نتیجه‌ای در بر نداشت، و ابیات این منظومه برای همه تازگی داشت. لذا با عنایت به موارد فوق با احتمال زیاد نه با قاطعیت، می‌توان منظومه مذکور را منتسب به خود مصطفی کلاشی دانست. خاصه آنکه برخی از ترکیبات به کار رفته در این ابیات در ادب کردی مسبق به سابقه نیست. اگر این سروده را به ملا مصطفی کلاشی نسبت دهیم و در آینده ادله کافی برای تأیید صحت این انتساب به دست بیاید، در این صورت باید دنبال بخش‌های دیگری از منظومه لیلی و مجنون سروده ملا مصطفی بود. نظر به اهمیت و نویافته بودن این سروده، کل ابیات آن با مساعدت‌های بی دریغ استاد عبدالله

- سهرت به مهینه، خاکت به خار
 —————
 ی
- نرسد سایه‌دار سایه‌په‌روه‌ری
 (۱۶) مایهت به مایه‌ی بید و چناری
- تاب نه‌ی داشتیم، بهر بیدک‌آلام
 (۱۷) پهری من درخت باغ بی‌به‌ری
- ئسه مایه پوچ رهنجه‌رؤوه‌نان
 (۱۸) مایه‌ی هردوو بین به بهژن بالام
 (۱۹) بی‌به‌ری جه باغ بالای توه‌نان
 (۲۰) مه‌گر تاو مه‌یل وه‌رین که‌م که‌ردی؟
- سهردی
- ها دای به لاودا رهنج به‌رده‌مان
 (۲۱) بهر میوه‌ی باغ جی‌نه‌وه‌رده‌مان
 (۲۲) چه‌نی تو رهنجی به بی‌جا به‌ردیم
 (۲۳) ئه‌و که‌سه تو به‌رد، من گولان بی‌زام
 (۲۴) بی‌نه‌سیب جه باغ به‌ژن بالآت بو
 (۲۵) شه‌ریت نه‌چه‌شته ویل بو به تووندا
 (۲۶) ئوفتاده‌ی زه‌بوون بی‌ده‌سه‌لاتم
 (۲۷) ساتی خوش‌رهنگن گولان گولزار
 (۲۸) لادی نامشان مه‌که‌ران مه‌نشوور
 (۲۹) جه سه‌ودای خالت به‌وته‌ور ئاما پیم
 (۳۰) په‌ی تو چمند تانه‌ی به‌دانم کیشان
 (۳۱) میوه‌ی باغ تو یه‌کی هه‌نی وهرد
 (۳۲) من نوور دیدم په‌ری تو که‌م بی
 (۳۳) فگار تو
 (۳۴) من جه‌ور جه‌فای بیابانم به‌رد
 (۳۵) من به مه‌یر تو که‌لپوسم پو‌شا
 (۳۶) من به سه‌نگ سه‌خت مندالانه‌وه
 (۳۷) من ویل بیم په‌ی خال جواهر‌دانه
- چمان پاس نه‌ی بووریا که‌ردیم
 نیازم ئیدهن نه‌یاوو به کام
 روو که‌رده‌ن نه‌خش خال نالات بو
 ده‌ربه‌ده‌ر گیلو نه‌ ده‌ریای هووندا
 چه‌مه‌رای تونان ها چینگه ماتم
 به‌لی په‌ریشان په‌یدا مه‌بو خار
 به‌لی چراشان هیچ نه‌دارو نوور
 نمه‌شناساتیم هامسه‌ران ویم
 نمه‌تاوو دیان به‌قه‌وم و خویشان
 وه‌نه‌وشه‌ت چنی، سه‌یر باغت که‌رد
 من ئه‌روام په‌شتان په‌زاره و خه‌م بی
 من زه‌رد بیم به‌زام تیر خار تو
 من هامنشینی وه‌حشیانم که‌رد
 من تاو عه‌شقم په‌ی تو خرؤشا
 من په‌نام مه‌به‌رد به‌یالانه‌وه
 من ئه‌لالام پیکا یانه به‌یانه

- | | | |
|------------------------------------|------|----------------------------------|
| من یاهووی سوورت سپی لالم | (۳۸) | من تهرک مه جلیس گهنج و مالم |
| _____ کهرد | | _____ کهرد |
| من چوون پهروانان سفتهسۆزان بيم | (۳۹) | من به مهیر تو ویل هۆزان بيم |
| من گۆل نهسرین شهو نه جيمهدا | (۴۰) | من پهژارهی تو وارا پيمهدا |
| من دهرد مهینهت جه دیدهم خیزا | (۴۱) | من بی تو جه لام خهمان نهنگیزا |
| من بيم به زوخال مهندهی ههواران | (۴۲) | من کیشام تابشت تانهی بهدکاران |
| ئاخر جه سهودات یه سوودمان بی | (۴۳) | خیالت به داخ به دوودمان بی |
| گا گا مهواتت ها بار لیوم | (۴۴) | گا گا به زوان مه دای فریوم |
| قهرار و ئارام ئهروات بهردانی | (۴۵) | به بار له بان لیوت کهردانی |
| بینایی دیده و عاسای دهستم بی | (۴۶) | بی مرووت نه تو ئاوات وهستم بی |
| نمته رسای جه ئاه زهدهی زام ویّت | (۴۷) | مه رکهم کهرده بی عهقل و قام ویّت |
| بی نهوای چوون من بکهرو دادت | (۴۸) | خهوف رۆی مه حشهر نه بی به یادت |
| دهست شهرت و شۆن بهینهت | (۴۹) | ئه و رۆ مه بهران |
| _____ دهه ران | | |
| ئه وانپچ چوون تو وهفاشان که مهن | (۵۰) | ئه رسه دبوو مشان چوون سپی شه مهن |
| که م فامیم جه ههول په ژارهی تو وهن | (۵۱) | بی تاویم جه تاو جه فای بی شووهن |
| با بی بهر نه بو ره نجمان جه لات | (۵۲) | ئه گهر مه تهرسی جه رۆی عه رسات |
| ئه وسه من چرکهی عومرم مه بو که م | (۵۳) | ئه وسه به که سی مه بینووت هامدهم |
| رۆشنیت به دین کام سپی شه مهن؟ | (۵۴) | نمانای خالت جه دیدهم که مهن |
| سه رگهردان به کار زمستانه وه | (۵۵) | من چیگه خجل به خه مانه وه |
| چه نی بی غه مان عهیش و نوشتهن | (۵۶) | تو چۆگه پرشنگ تاو جۆشتهن |
| هامپرای وه حشیان دهیری دیوانه | (۵۷) | من چیگه به کونج بیابان یانه |
| په ری خه مگینان نیت به خه وفه وه | (۵۸) | تو چۆگه به بهرگ سه لهخ سه وفه وه |
| رووگهردان جه تاو تانهی مهنا و | (۵۹) | من چیگه زه بوون ئوفتادهی بی زهین |
| _____ یهن | | |
| جه لات حازرن سه دهه زار وینه | (۶۰) | تو چۆگه ساحیب گهنج و خه زینه |

- | | | |
|--|------|---------------------------------------|
| سیای دوودنه‌نگیز چون سفته‌ی
داران | (۶۱) | من چینگه غه ریب دورکفته‌ی
یاران |
| به خال غه‌بغهب نه‌شههد بؤوه‌وه | (۶۲) | تۆ چۆگه به بورج یار نۆوه‌وه |
| فامبه‌رده‌ی خمیال نه‌و خال و خه‌تم | (۶۳) | تۆ ویت مه‌زانی من به‌و به‌ینه‌تم |
| دوورن جه ته‌ریق شهرت
عـه‌شـقـبـازان | (۶۴) | گله‌یی بی‌هده، له‌ب به‌سته‌ی رازان |
| من نه‌بیم ئومید بی‌به‌ینه‌تی تۆ | (۶۵) | جه‌وپه‌ی گله‌ییم کیاسته‌ن بی‌شو |
| زه‌ره‌ی مه‌یر تۆ گنج ئاله‌مه‌ن | (۶۶) | ئه‌رسه‌ده‌په‌شیوی به‌خت تاله‌مه‌ن |
| مه‌به‌رۆ ئافات دووسه‌ده‌ره‌ستاخیز | (۶۷) | رپزه‌یی جه‌راز له‌فز شه‌ریه‌ت رپز |
| به‌باد شه‌مال زولف و خالته‌ن | (۶۸) | چینگه‌ زینده‌گیم به‌خیالته‌ن |
| مه‌یرت ئافتاب شه‌و سیامه‌ن | (۶۹) | خاک وه‌ته‌نت چون تووتیامه‌ن |
| مه‌یرت مه‌به‌رۆ پای من به‌راوه | (۷۰) | خه‌مت قابلم ئاسته‌ن به‌پاوه |
| ئه‌هی هووتنه‌ن مه‌بی به‌خاک نه‌ی کۆ | (۷۱) | ئه‌گه‌ر نه‌مه‌بیم من په‌ژاره‌ی تۆ |
| نویسا هه‌رچی به‌خاتر یاوا | (۷۲) | مه‌جنوون جه‌هیجران هه‌رتا که‌تاوا |
| سیا که‌رد به‌دوود نه‌ندووی داخ دل | (۷۳) | سه‌ودای سپی گول |
| موهر موحه‌به‌ت ویش نیا پتوه | (۷۴) | له‌نگ لال زوان په‌ی له‌یلی لپوه |
| په‌یک په‌ره‌نده‌ په‌ریش حازر بی | (۷۵) | چوونکه‌ به‌کارش خودا نازر بی |
| به‌رد به‌و خاک پای زه‌رستوون زه‌ر | (۷۶) | دا به‌ده‌ست په‌یک په‌ره‌نده‌ی تیژیه‌ر |

سخنی در باب انتساب شعر "ئه‌ویه‌ر نه‌مامی" به ملا مصطفی اول کلاشی

در خصوص ملا مصطفی کلاشی که سروده‌ای از ایشان در جلد اول کَشکول محمود پاشای جاف با نام "ئه‌ویه‌ر نه‌مامی" آمده است، و وی به عنوان ملا مصطفی اول که جد ملا مصطفی مورد پژوهش ماست، به زعم نگارنده سراینده سروده مذکور به احتمال بیشتر، می‌تواند ملا مصطفی فرزند ملا عبدالله باشد. طبیعتاً نگارنده ترجیح می‌دهد که با ادله محکم و متقن ثابت شود که همان ملا مصطفی اول سراینده آن سروده کَشکول محمود پاشا باشد، چرا که در این صورت پیشینه شعر کردی در میان خاندان صدیقی کلاشی و منطقه جوانرود به سه نسل قبل تر و حداقل ۱۰۰ سال عقب‌تر باز می‌گردد اما با عنایت به ادله غیرمحکم از جمله مضامین شعری می‌توان گزینه نسبت دادن منظومه مذکور به ملا مصطفی دوم را

محتمل دانست. آنچه ذکر شد صرفاً یک احتمال است و صرف یک احتمال در پژوهش های علمی نمی تواند محل تکیه و استناد باشد. جهت اثبات این امر نیاز به ارائه ادله متقن بیشتری است که نگارنده بدان دست نیافته است. لازم به ذکر است که برخی از محققین شعر مذکور را سروده شعرای دیگر مصطفی نام همانند شیخ مصطفی تخته و ملا مصطفی بیسارانی می دانند که با توجه به قلت اطلاعات نگارنده در این خصوص، ترجیحاً از هر گونه اظهار نظری اجتناب می نماید.

سخن آخر

آنچه که تقدیم گردید تلاشی متواضعانه در جهت معرفی یکی دیگری از علمای ناشناخته کرد خاندان صدیقی کلاشی بود. امید است پژوهش حاضر سرنخی برای انجام پژوهش های بیشتر در این خصوص باشد.

تشکر و قدردانی

جا دارد از مساعدت های استاد ارجمند جناب آقای مهندس عبدالله حبیبی در تصحیح ابیات مندرج در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی داشته باشم که اگر ایشان نبود این ابیات با کیفیت حاضر ارائه نمی شد. همچنین از متولیان کتابخانه مرکز ژین آقایان استاد رفیق صالح و علی شیخ وهاب که زحمت ارسال فایل مجموعه نسخه خطی ملا مصطفی برای حقیر کشیدند نهایت تشکر و تقدیر دارم.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی احوال و آثار ملا مصطفی کلاشی با تکیه بر یک مجموعه نسخه خطی به شماره ۶۰ نگهداری شده در کتابخانه مرکز زین شهر سلیمانیه پرداخته است و با استناد به اطلاعات مندرج در حواشی صفحات مجموعه مذکور، اطلاعاتی نو یافته در خصوص احوال و آثار این شخصیت به دست آورده است که اهم آنها به شرح زیر است:

- ملا مصطفی از خاندان علمی صدیقی کلاشی است. وی فرزند ملا عبدالله بزرگ و برادر بزرگتر ملا عیسی جوانرودی و ملا موسی کلاشی بوده است. سال ۱۱۸۶ هجری قمری به دنیا آمده است. اطلاعی از مدت حیات و سال وفات ایشان در دست نیست. وی دارای دو فرزند به نام های محمد شریف و ملا محمود مدرس بوده که هر دو پا جای پای پدر و اجداد خویش گذاشته اند و هر دو عالم دینی بوده اند.

ملا محمدشریف مدتی در روستای ترجان رحلت اقامت گزیده و سال ۱۲۶۸ ه. ق دار فانی را وداع گفته است.

- ملا مصطفی در محضر ابوی خود که مدرّس برجسته‌ای در آن زمان بوده، علوم رایج حجره را فرا گرفته و مدتی در محضر مدرّسی دیگر به نام عبدالقادر السیسی یا السیستی بوده است.

- در خصوص محل زندگی ایشان اطلاعی در دست نیست، جز آنکه به هنگام کتابت مجموعه مذکور در خانه شور و بادیه سرپان از توابع ثلاث باباجانی کنونی سکونت داشته است.

- در خصوص آثار ملا مصطفی، خود مجموعه نسخه خطی مورد استفاده در این پژوهش که مشتمل بر پنج رساله و عمدتاً در زمینه علوم بلاغت و به زبان عربی است توسط ملا مصطفی کتابت گردیده است.

ملا مصطفی در سال ۱۲۰۸ و زمانی که تنها ۲۲ سال سن داشته اقدام به نسخه برداری از این نسخه‌ها نموده است و حسب آنچه که در حاشیه نوشته، رساله اول را در مدت یک روز کتابت نموده است.

- ملا مصطفی طبع شاعری داشته و ابیاتی نو یافته منتسب به ایشان از این مجموعه نسخ خطی استخراج تصحیح و متن کامل آن در پژوهش حاضر ارائه گردیده است.

- علاوه بر موارد فوق در میان رساله چهارم و پنجم این مجموعه نسخ خطی، یک برگ یادداشت بسیار مهم وجود دارد که از چند جهت دارای اهمیت است. این یادداشت در سه برهه زمانی مختلف و توسط سه نفر کتابت شده است. بخشی از آن توسط ملا عبدالله کلاشی نوشته شده که در آن سال دقیق ولادت چهار تن از فرزندان خویش (عیسی، موسی، احمد و مصطفی) را نوشته است که علاوه بر اهمیت آن در مشخص کردن تاریخ ولادت چهار فرهیخته و شاعر گرد، این خط اولین نمونه خط یافت شده از ملا عبدالله کلاشی است.

بخش دوم این یادداشت به خط ملا عیسی جوانرودی است که وی نیز اطلاعات گرانبهایی از جمله سال وفات پدرش ملا عبدالله، سال آغاز به تدریس و تأهل خود را نوشته است.

بخش سوم این یادداشت با فاصله زمانی بیشتر از صد و چهل سال در مقایسه با نوشته ملا عیسی و توسط خریدار این مجموعه نسخه خطی به نام احمد خلیقی کتابت گردیده و کاتب در آن با تقلید از نوشته ملا عیسی، چند سطر را یادداشت نموده که در مقایسه با دو بخش قبلی از اهمیت نسبتاً کمتری برخوردار است.

حبیبی، عهدوللا (۲۰۲۲). *کەشکۆلی مەحموود پاشای جاف*، بەرگی یەکەم، سنه: بلاوکەرەوهی کوردستان.

صفی زاده، صدیق (۱۳۹۲). *دیوانی بیسارانی*، چاپی دووهم، سنه: بلاوکردنهوهی کوردستان. عزیزاده، ناصر و غلامی کوتنایی، مارال (۱۳۹۳). بررسی محتوایی نامه نگاری های لیلی و مجنون نظامی و جامی، *مجله مطالعات انتقادی ادبیات*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۹۴-۷۹.

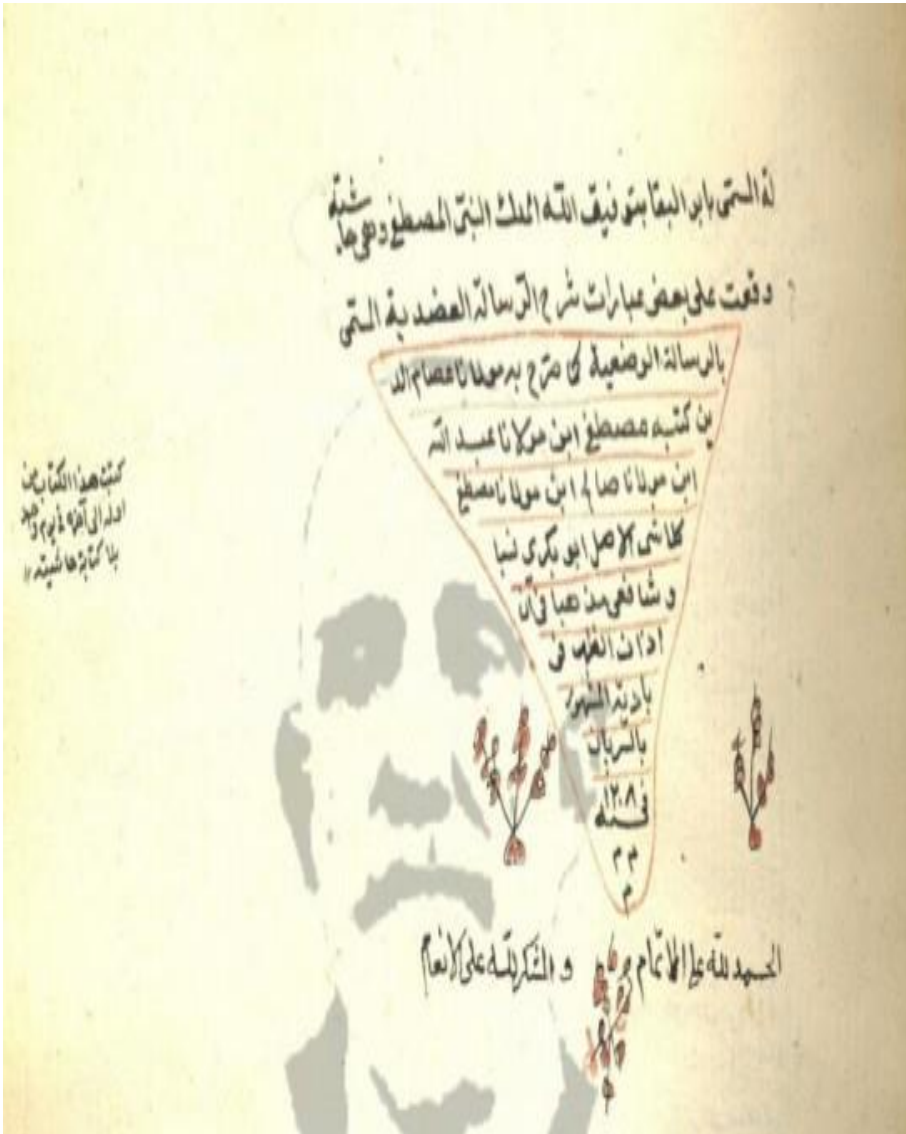
کلاشی، مصطفی، مجموعه نسخه خطی، شماره ۶۰، کتابخانه مرکز (بنکهی ژین)، سلیمانیه. محمود محمد صبري العجة، محمد (۲۰۱۷). *شرح شافية ابن حاجب للفسوي*، المجلد الأول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

یاراحمدی، طارق (۱۴۰۲). ژیان و بهره‌می مه‌لا عیسا جوانرۆیی له ناوینیهی ده‌ستنوسه‌کاندا، *پژوهشنامه ادبیات کردی*، دوره ۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۵، صص ۱۵۷-۱۴۱.

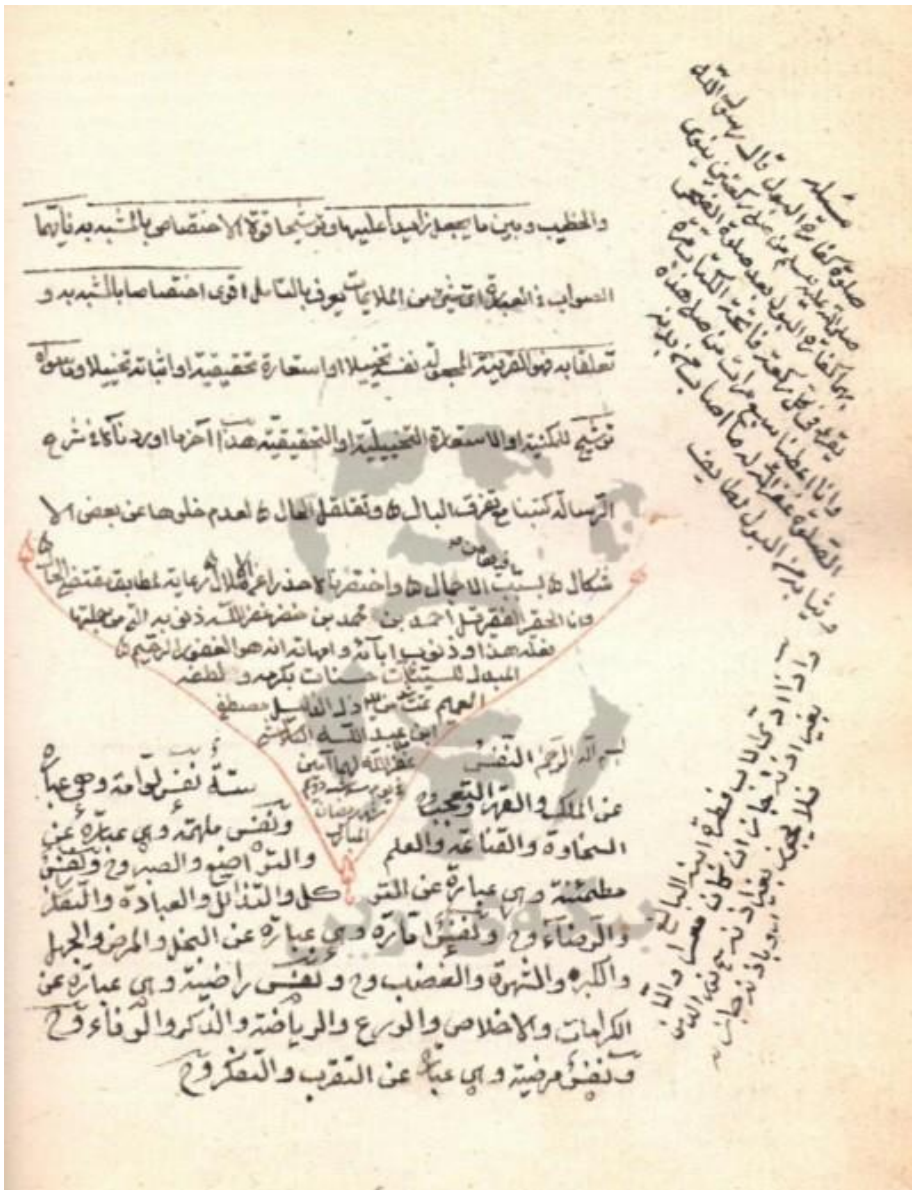
یاره‌حمه‌دی، تاریخ (۲۰۲۳). هه‌ولێک بۆ ناساندنی مه‌لا مووسا کلاشی، *گۆفاری خال*، ژماره ۴۱، صص ۱۶۵-۱۵۳.

مصاحبه با استاد مؤمن و یسی مؤرخه هشتم آبانماه ۱۴۰۲.

تصویر شماره (۱) صفحه انجامه نسخه خطی شرح فسوی بر شافیه به کتابت ملا محمد شریف کلاشی



تصویر شماره (۲) صفحه انجامه نسخه خطی "شرح رساله العنصدية" کتابت شده توسط ملا مصطفی کلاشی



تصویر شماره (۳) صفحه انجامه نسخه خطی "حاشیه گل احمد" کتابت شده توسط ملا

مصطفی کلاشی

فقط و بما حققنا من معنى المبادىء المقاصد و بيان المراد من العبارة
 الصغيرة قد ابرها لا ريب فيه
 الضعيفه **هـ** بهيما ظهرو ان ما ورد به بعض من تصديق لشخ الكبا
 الصانع عية تسبب الى الصانع بعد يعجز الذا طنج
 تبعيد عن الخف و معروف عن سمت الصواب **و** وايه و رب تمام ذكر
 نارة لكنة بعيد عنه برأى و لا تتبع الهوى بعده اجاك لك الخ
 فالخف اصق بالاشياء **و** و ان كان ثلك النظر آس **هـ**
 فلنقتصر على هذا القدر **و** مصلية على خير البشر **و** و لو قدام
 العليق **و** و تلائم المعاريق **و** لتجرت الكفا بعن أمره و
 فتحت العجاب **و** و همزت الفتحة عن اللباب **و** علي ان هميمة
 المصليين متفاعدة **و** و عمليهم متفاصرة **و** حامدا لله
 و مصليا على رسوله و الله اعلم بالصواب
 في الامم النجم و الناي كت الكفا بلائيه
 محمد امين علي يد اضعف
 لعبار مصطفي ابن
 سيد الله ابن صالح
 ابن مصطفي
 كلاسني
 الامل
 الهادي

بنكهى

الحمد لله على انما
 والى لله على انما
 والى لله على انما

بس
 ان نوب لان الطلاق فلا ادم لم يكن
 امرا وان اتين نلت ابن ابن على
 شد درجات القبح والغلب وورد
 ح فاذا اظلمت الروح و اجتهت خلا
 واحدا عزيم من الخوف الا اظلمت
 انما من من القلب و اد اظلمت
 انما من من هذه الفتحة تم نخل
 له من كرم زديا غير

سقطت الفروع الاربعة
 بعد نطق اللسان بالاعتراف بالعمارة
 وضعت الامم الفاسدة و القاطعة و
 وضعت العباد على السواء
 والجماد زنت لعمرو و عمو ذلك شي

تصویر شماره (۴) صفحه انجامه نسخه خطی "جهة الوحدة محمد امین" کتابت شده توسط ملا مصطفی کلاشی



تصویر شماره (۵) تصویر برگ یادداشت مهم به کتابت ملا عبدالله کلاشی، ملا عیسی و ملا احمد خلیقی

**A research on the life and works of Mulla Mustafa Kalashi,
the anonymous poet of Javanrood region
(based on the collection of manuscripts)
Tariq Yarahmadi**

Arabic language teacher and researcher of texts and manuscripts

Abstract

Mulla Mustafa Kalashi is one of the unknown poets and scholars of Javanrood region in the 13th century. Like many scholars of this country, his name is not mentioned in any book or tazkira, but based on the information found in the margins of the pages of a manuscript collection consisting of five treatises written by him and currently in the library of Jin center in The city of Sulaymaniyah is kept at number 60, it is established that he was the son of Mullah Abdullah Kalashi and the elder brother of the great Kurdish poet Mullah Isa Javanroudi and from the scientific family of Siddiqi Kalashi. In this research, we intend to investigate his status and works by analytical-descriptive method and relying on the information available in the aforementioned collection. Some of the results indicate that Mulla Mustafa in 1186 A.H. He was born, but there is no information about his life span and the year of his death. In addition to his proficiency and speed in the matter of writing, he has a psychic nature in writing poems in Kurdish language, especially love poems. The fact that he is ahead of some other poets of this country in terms of time shows the importance and position of Mullah Mustafa Kalashi in Kurdish literature in Javanrood region.

Keywords: Seddiqi family, Klashi scholars, Mullah Mustafa Klashi, Mustafa bin Abdullah